پژوهش در حیطه کودکان استثنایی/ سال دوم، شماره۲/ تابستان ۱۳۸۱/۲۰۴-۱۹۱
Research on Exceptional Children, Summer 2002, Vol.2, No.2,191-204

مطالعه و مقایسهٔ شیوه‌های برخورد مادران کودکان کم‌توان ذهنی خفیف و عادی با فرزندانشان

نادر باقری*

چکیده

در ایـن مطالعه، شیوه‌های برخورد میان مادران کودکان کم‌توان ذهنی و مادران کودکان عـادی، رابطـهٔ میان شیوه‌های برخورد مادر و پیشرفت تحصیلی کودک کم‌توان ذهنی و رابطهٔ شـیوه‌هـای بـرخورد مـادر و جنسیت کودک کم‌توان ذهنی مورد مطالعه قرار گرفت. به همین مـنظور، ۴۶ مـادر (۲۳ مادر کودک کم‌توان ذهنی و ۲۳ مادر کودک عادی) و ۴۶ کودک (۲۳ کـودک کم‌توان ذهنی و ۲۳ کودک عادی) به طور تصادفی، به عنوان افراد گروه نمونه انتخاب شـدند. نـتایج، تفاوت شیوه‌های برخورد میان مادران کودکان کم‌توان ذهنی و مادران کودکان عـادی و رابطهٔ شیوه‌های برخورد مادر و پیشرفت تحصیلی کودک کم‌توان ذهنی را نشان داد. اما رابطه میان شیوه‌های برخورد مادر و جنسیت کودک کم‌توان ذهنی معنی‌دار نبود.

واژه‌های کلیدی: *کودک عادی، کودک کم‌توان ذهنی، رابطهٔ مادر و کودک*

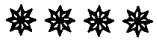

* عضو هیأت علمی (مربی) دانشگاه فردوسی مشهد E-mail:Nader@ferdosi.um.ac.ir

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

مقدمه

درک صحیح مشکلات خانواده‌های کودکان کم‌توان ذهنی امری است بسیار دشوار، مگر اینکه خودمان در چنین شرایطی قرار گرفته باشیم. شرایطی که بتوانیم به طور ملموس، کوشش‌ها، ناتوانی‌ها، موفقیت‌ها و دیگر احساسات و کارهایی را که در بخشی از زندگی روزانه همراه با یک کودک کم‌توان ذهنی باشد، تجربه کنیم.

مطالعات متعددی که توسط محققان روی خانواده‌های کودکان کم‌توان ذهنی انجام گرفته، درجهٔ بالایی از آسیب شناسی را در این خانواده‌ها آشکار کرده است (کرنیک[1] ، فردریچ[2] ، گرینبرگ[3] ، ۱۹۸۳، به نقل از رابینسون و رابینسون، ترجمهٔ ماهر، ۱۳۷۰).

در زیر به تعدادی از تحقیقات در زمینهٔ تأثیر معلولیت ذهنی کودک روی والدین اشاره می‌گردد:

مطالعات متعددی همبستگی بالایی را میان بروز علائم افسردگی و مراقبت از کودکان ناتوان نشان داده است(بریستول، گالاگر، اسکوپلر، کاون، مارتین، گلدمن، به نقل از اترجاکوبسون و میولیک، ۱۹۶۶).

در یک بررسی گسترده بر روی مادران کودکانی که دچار ناتوانی تحولی بودند، نشان داده شد که این مادران نمرهٔ بالایی را در مقیاس افسردگی به دست آوردند و در پی‌گیری معلوم شد که یک سوم این مادران، عصبی، غمگین، ناتوان، ناامید و فرسوده هستند(برسلا، دیویس، ۱۹۸۶، به نقل از جاکوبسون و میولیک، ۱۹۶۶). بکمن (۱۹۸۳، به نقل از پاتون، پین، اسمیت ، ۱۹۸۶) در مطالعهٔ خود معلوم کرد که ویژگی‌های کودکان کم‌توان ذهنی از قبیل سطح پایین پاسخدهی، مزاج، خلق و خوی ، الگوهای رفتاری تکراری، نیاز به مراقبت‌های غیر معمول و ویژه، سبب ایجاد استرس در والدین می‌گردد. از طرف دیگر بخشی از شرایط هیجانی حاکم در خانواده، مربوط می‌شود به چگونگی سازگاری و پذیرش معلولیت کودک. تولد یک کودک معلول ذهنی یک اتفاق پراسترس برای والدین است. وجود چنین کودکی بر خانواده و به طور کلی بر رفتار والدین و سپس بر نقش والدین اثر می‌گذارد (بلاچر، ۱۹۸۴).

چسنی[14] و استون[15]، (۱۹۷۸، به نقل از بلاچر، ۱۹۸۴) در بررسی خود آشکار کرده‌اند که بیشتر کودکان کم توان ذهنی یا مبتلا به تأخیر رشدی در نتیجهٔ رابطهٔ

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

متقابل مادر و کودک به خودکفایی پایینی دست می‌یابند، زیرا شکست کودک کم‌توان در تحریک مادر منجر به ناتوانی مادر در برقراری رابطهٔ متقابل با فرزندش می‌گردد.

والدین به سبب سوء رفتار هیجانی، برای کودکان معلول عشق دائمی و پذیرش را فراهم نمی‌آورند و در برقراری احساس امنیت در کودک شکست می‌خورند. بخش اعظم روابط والد وکودک سرد و طرد آمیز است(بالبی[۱۶]، ۱۹۸۴،کاربارینو[۱۷]، ۱۹۸۴،وایتینگ[۱۸]، ۱۹۷۸، به نقل از مورگان، ۱۹۸۷). فاربر[۱۹](۱۹۶۰، به نقل از رابینسون، ترجمهٔ ماهر، ۱۳۷۰) نیز نشان داده است که پدر و مادر به حمایت افراطی از کودک کم‌توان ذهنی می‌پردازند و رفتارشان با برادران و خواهران عادی کودک متفاوت با این شیوه است. باروف[۲۰] و اولی[۲۱] (۱۹۹۹، به نقل از باروف، ۱۹۹۹) اعتقاد دارند که تولد یک کودک معلول ذهنی، مخصوصاً اگر والدین آمادگی چنین اتفاقی را نداشته باشند، استرس‌زاست و موجب بحران در والدین می‌گردد؛ احساس بی‌کفایتی والدین را تهدید می‌کند و کودک ممکن است به ابراز عشق والدین کمتر پاسخ دهد که تمام این شرایط می‌تواند موجب جریحه‌دار شدن ارزش فردی در والدین شود و به بروز رفتارهای ناسازگارانه از قبیل انکار، حمایت بیش از حد و طرد منجر گردد و متقابلاً در کودک، اضطراب، شتابزدگی و غمگینی را ایجاد کند.

در مورد رشد شناختی و عملکرد کودک کم‌توان ذهنی در مدرسه بررسی‌های متعددی به عمل آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ابعاد محیط خانوادگی تأثیرات معناداری در رشد شناختی و اجتماعی کودکان معلول دارد.

مطالعات مایرز[۲۲]، مینک[۲۳]، نهیرا[۲۴](۱۹۸۳)و مایرز، بلاشب[۲۵](۱۹۸۷) و سلتزر[۲۶]، کراس[۲۷] ۱۹۸۶، به نقل از رابینسون و رابینسون، ترجمهٔ ماهر، ۱۳۷۰) نشان داده است که رابطهٔ مستقیمی میان خصوصیات عاطفی محیط خانواده و عملکرد کودک در مدرسه وجود دارد. زیگلر[۲۸] (به نقل از رابینسون و رابینسون، ترجمهٔ ماهر، ۱۳۷۰) معتقد است که تجربه‌های ناخوشایند، شکست و محرومیت‌ها تأثیر نامطلوبی بر مهارت‌های شناختی و یادگیری کودکان کم توان ذهنی دارد. در حقیقت نگرش والدین به فرزند کم‌توانشان یک نگرش مطیع و فرمانبرداری انفعالی است و این نوع رابطهٔ متقابل منفی سبب پایین آمدن اعتماد به نفس و کاهش انگیزش می‌شود. همچنین برخی از رفتارهای خاص

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

مادرانه در یادگیری کودک تأثیر سوء می‌گذارد(هس[۲۹]، شیپمن[۳۰]، ۱۹۶۸، به نقل از گاربر[۳۱]، ۱۹۸۸).

براون[۳۲] و امد[۳۳](۱۹۷۸، به نقل از پاتون، پین، اسمیت، ۱۹۸۶) دلبستگی میان مادر و کودک کم‌توان را طی مراحلی توصیف کرده‌اند که عبارتند از:۱- انکار، ۲- سوگواری، ۳-پذیرش. در مورد مرحلهٔ سوم می‌توان گفت، پذیرش مستلزم احترام گرم به کودک آن طور که هست، قدردانی از امکانات او، تحمل کمبودها و لذت فعال در ارتباط با او می‌باشد. نقطهٔ مقابل آن طرد است که مربوط می‌شود به حفظ مداوم و رنج آور ارزش‌های منفی و غیر واقع‌گرایانه دربارهٔ کودک معلول که در نتیجه کل رفتار والدین، به طور غیرواقع گرایانه تحت تأثیر این نگرش منفی قرار می‌گیرد. در اینجا می‌توان به دو نوع طرد اشاره کرد: طرد اولیه[۳۴] و طرد ثانویه[۳۵]، که طرد اولیه ناشی از ماهیت تغییر ناپذیر کودک از قبیل جنسیت کودک معلول می‌باشد (گالاگر، ۱۹۵۶، به نقل از رابینسون و رابینسون، ترجمهٔ ماهر، ۱۳۷۰).

یافته‌های مربوط به تحقیقات مختلف نشان داده است که خانواده‌های کودکان کم‌توان ذهنی به دور از استرس و جو نامطلوب روانی نیستند و با سرخوردگی، تعارض و کشمکش درگیر می‌باشند. وضعیت خاص هوشی و جسمانی کودک کم‌توان ذهنی، بر تمام ابعاد خانواده از جمله بر نگرش والدین اثر می‌گذارد. در چنین شرایطی وضعیت رفتاری، عاطفی، شناختی و تحصیلی کودک کم‌توان ذهنی تحت تأثیر شرایط مذکور قرار می‌گیرد.

نتایج یکی از مطالعات انجام شده در مورد سازگاری والدین با کودکی که کم‌توان ذهنی به دنیا می‌آید، نشان داده است که والدین دچار شوک‌های مختلف از جمله عزت نفس پایین، احساس بی‌کفایتی و احساس کاهش ارزش شخصی می‌گردند (مینتزر[۳۶]، الس[۳۷]، ترونیک[۳۸]، برازلتون[۳۹]، ۱۹۸۵، به نقل از باروف، ۱۹۹۹). هنگامی که کودک به صورت غیرطبیعی به دنیا می‌آید (مثل سندرم داون)[۴۰] یا اختلالاتی دارد که در دورهٔ کودکی قبل از دو سالگی ظاهر می‌شود، اثر آن بر روی والدین گیج کننده و حیرت آور است و باعث احساس گناه و شرم در آنان می‌گردد (کورتز،[۴۱] و لفنزبرگر[۴۲]، ۱۹۶۹، به نقل از باروف، ۱۹۹۹).

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

همچنین ویکلر[۴۳](۱۹۸۱، به نقل از جاکوبسون و میولیک، ۱۹۹۶) در بررسی خود نشان داده است که وقتی والدین در ادارهٔ کودک و تکالیف رشدی مورد انتظار ناتوان می‌شوند، دوره‌هایی از افسردگی و شکست و ناکامی را تجربه می‌کنند. برخی دیگر ازمحققان نیز سطوح مختلفی از علائم افسردگی را در والدین کودکان کم توان ذهنی گزارش نموده‌اند (ایروین و سینگر[۴۴]، ۱۹۹۰، به نقل از جاکوبسون و میولیک، ۱۹۹۶).

با این وجود، غالباً انتظار می‌رود والدین این کودکان، صبور، فهیم و مقاوم باشند، در حالی که تحمل چنین شرایطی برای هر کس بسیار دشوار است، زیرا شرایط خاص کودک از قبیل معلولیت‌ها، کندی رشد، نیاز به امکانات ویژه برای مسائل درمانی و آموزشی، شرایط ویژه‌ای را به وجود می‌آورد . به طور کلی، مرور بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و فردی بر فشار روانی والدین و انطباق خانواده در تجربهٔ مراقبت از کودک معلول تأثیر می‌گذارد و در عین حال به سبب وابستگی اقتصادی و اجتماعی کودک، از سطح نسبی تا سطح کامل، همراه با عوامل مذکور، باعث خدشه‌دار شدن رابطهٔ والد و کودک می‌گردد. بر این اساس، رابطهٔ کودک کم‌توان ذهنی با والدینش در مقایسه با کودکان عادی، بالقوه پیچیده‌تر و متفاوت می‌باشد. بنابراین ضروری است که برای کمک به این قشر از کودکان معلول و ارائهٔ خدمات حمایتی به والدین برای ایجاد یک جو سالم روانی در خانواده، تحقیقات بیشتری انجام گیرد. در این مطالعه، با توجه به مطالبی که تاکنون ذکر گردید، سؤالات زیر مطرح شده است:

۱- آیا میان شیوه‌های برخورد مادران کودکان کم‌توان ذهنی خفیف با فرزند معلول ذهنی‌شان و شیوه‌های برخورد مادران کودکان عادی با فرزند عادی‌شان تفاوتی وجود دارد؟

۲- آیا میان شیوه‌های برخورد مادران کودکان کم توان ذهنی خفیف و وضعیت تحصیلی فرزند کم‌توان ذهنی‌شان رابطه وجود دارد؟

۳- آیا میان شیوه‌های برخورد مادران کودکان کم توان ذهنی خفیف و جنسیت فرزند کم‌توان ذهنیشان رابطه وجود دارد؟

در این پژوهش پرسش‌های فوق در قالب سه فرضیه بررسی شده‌اند:

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

۱ شیوه‌های برخورد مادران کودکان کم‌توان ذهنی در مقایسه با شیوه‌های برخورد مادران کودکان عادی، نسبت به فرزند کم‌توانشان طرد کننده است.

۲- میان شیوه‌های برخورد مادران کودکان کم‌توان ذهنی و پیشرفت تحصیلی فرزند کم‌توان ذهنی‌شان رابطه وجود دارد.

۳- میان شیوه‌های برخورد مادران کودکان کم‌توان ذهنی و جنسیت فرزند کم‌توان ذهنی رابطه وجود دارد.

اینک اصطلاحات مهم در این تحقیق تعریف می‌شوند.

کم‌توانی ذهنی: تعریف سازه‌ای: کم‌توانی ذهنی ناظر است بر عملکرد هوش که به طور معنی‌داری پایین‌تر از حد متوسط است و نیز همراه با نقایصی در رفتار سازشی است که در طول دوران رشد ظاهر می‌گردد (گروسمن[۴۵]، ۱۹۷۳، به نقل از هالاهان، کافمن، ترجمهٔ جوادیان، ۱۳۶۶). تعریف عملیاتی کم‌توانی ذهنی خفیف: ۱- کودکی که در مدارس کودکان کم‌توان ذهنی مشغول به تحصیل می‌باشد.۲-بهرهٔ هوشی کودک بین ۷۰ تا ۵۰ قرار دارد.

کودک عادی: کودکی که در مدارس عادی مشغول به تحصیل است و از نظر عملکرد هوشی در حد متوسط (۱۱۵ تا ۹۰) قرار دارد.

شیوهٔ برخورد مادر: تعریف سازه‌ای: چگونگی برخورد مادر با فرزند که تابعی است از درجهٔ برانگیختگی هیجانی، ادراکی و فرآیندهای شناختی مادر در تعامل با کودک. تعریف عملیاتی: در آزمون رابطهٔ مادر و کودک، بالا بودن نمره در طرد نشانگر شیوهٔ طرد و بالا بودن نمرهٔ پذیرش نشان دهندهٔ شیوهٔ پذیرش می‌باشد.

پیشرفت تحصیلی: مربوط می‌شود به پیشرفت یا عدم پیشرفت تحصیلی که ازطریق میانگین سه ثلث مشخص می‌گردد.

روش

آزمودنی‌ها

آزمودنی‌ها شامل ۲۳ کودک کم‌توان ذهنی خفیف و ۲۳ کودک عادی بودند که به طریق تصادفی از میان مدارس شهر مشهد انتخاب شدند.

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

شیوهٔ انجام کار

هر کدام از افراد گروه نمونهٔ آماری کودکان کم‌توان ذهنی خفیف و عادی از جامعهٔ آماری قابل دسترس کودکان معلول ذهنی خفیف و کودکان عادی در سطح مدارس ابتدایی براساس مراحل زیر انتخاب شدند:

۱-با مراجعه به اداره کل آموزش و پرورش، فهرست مدارس کودکان کم‌توان ذهنی خفیف و عادی در نواحی ششگانه فراهم گردید و سپس به طریق تصادفی از هر ناحیه یک مدرسهٔ ابتدایی دخترانه و پسرانه عادی و یک مدرسه ابتدایی دخترانه و پسرانه کم‌توان ذهنی انتخاب شد.

۲-از مدارس کودکان کم‌توان ذهنی، ۲۰ دختر و ۲۰ پسر به طریق تصادفی ساده انتخاب گردیدند و با آزمون هوش ریون مورد آزمایش قرار گرفتند و براساس ملاک مطرح شده در این مطالعه، ۲۳ دختر و پسر (۱۱ پسر، ۱۲ دختر) معلول ذهنی خفیف انتخاب شدند.

۳-معدل سه ثلث آزمودنی‌های کم توان ذهنی از مدرسه اخذ گردید.

۴-آزمون رابطهٔ مادر و فرزند با مراجعه به منازل توسط والدین کودکان معلول ذهنی تکمیل گردید.

تعیین آزمودنی‌های کودکان عادی نیز عیناً براساس مراحل فوق انجام گرفت و ۲۳ دختر و پسر عادی (۱۱ پسر و ۱۲ دختر) به طور کاملاً تصادفی انتخاب شدند.

ابزار

ابزارهای زیر دراین مطالعه مورد استفاده قرار گرفتند:

۱-آزمون ارزیابی رابطهٔ مادر و فرزند: این آزمون شامل ۴۸ سؤال می‌باشد که توسط رابرت راس (۱۹۶۱) تهیه شده است. ۱۲ سؤال، نگرش پذیرش[۴۶] و ۳۶ سؤال، نگرش عدم پذیرش[۴۷] (حمایت بیش از حد، آزاد گذاری بیش از حد، طرد آشکار) را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اعتبار این آزمون طی دو مرحله اجرا ۷۵٪ برآورد شده است.

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

ایـن آزمون قبل از اجرا روی مادران گروه‌های نمونه ابتدا روی ۸۰ مادر اجرا گردید. در جـدول زیـر ضـریب اعتـبار[۴۸] قابل قبولی، براساس روش دو نیمه کردن نمرات نشان داده شده است:

جدول ضرایب اعتبار

مقیاس	سطح احتمال	تعداد	همبستگی
پذیرش	۰/۰۱	۸۰	۰/۵۲
حمایت بیش از حد	۰/۰۱	۸۰	۰/۵۳
آزاد گذاری بیش از حد	۰/۰۱	۸۰	۰/۴۱

از نظـر روایـی نیز همبستگی میان پذبرش و عدم پذیرش به میزان ۰/۵۵- به دست آمد که نشانگر روایی بالای آزمون است.

۲-آزمـون ماتریس‌های ریون سیاه و سفید: آزمون ماتریس‌های پیشرونده ریون، مقیاسی است برای اندازه‌گیری هوش عمومی فرد. اعتبار بازآزمایی این آزمون در رابطه با سن از ۰/۸۳ تا ۰/۹۳ متغیر بوده است.

یافته‌ها

نتایج مربوط به طرد و پذیرش مادران کودکان کم‌توان ذهنی خفیف و عادی در جدول ۱ و نمودار ۱ آورده شده است.

جدول ۱- طرد و پذیرش مادران کودکان کم‌توان ذهنی خفیف و عادی

	الگوی ارتباطی طرد	الگوی ارتباطی پذیرش
مادران کودکان عادی	۵ (۱۰/۵)*	۱۸ (۱۲/۵)
مادران کودکان کم‌توان ذهنی	۱۶ (۱۰/۵)	۷ (۱۲/۵)

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

* فراوانـی مورد انتظار با توجه به عدم یکنواختی بین توزیع نظری و توزیع مشاهده شده و درجـه آزادی یـک. روش تصـحیح یت برای پیوستگی در حین تحلیل آماری از طریق کامپیوتر، مورد محاسبه قرار گرفته است.

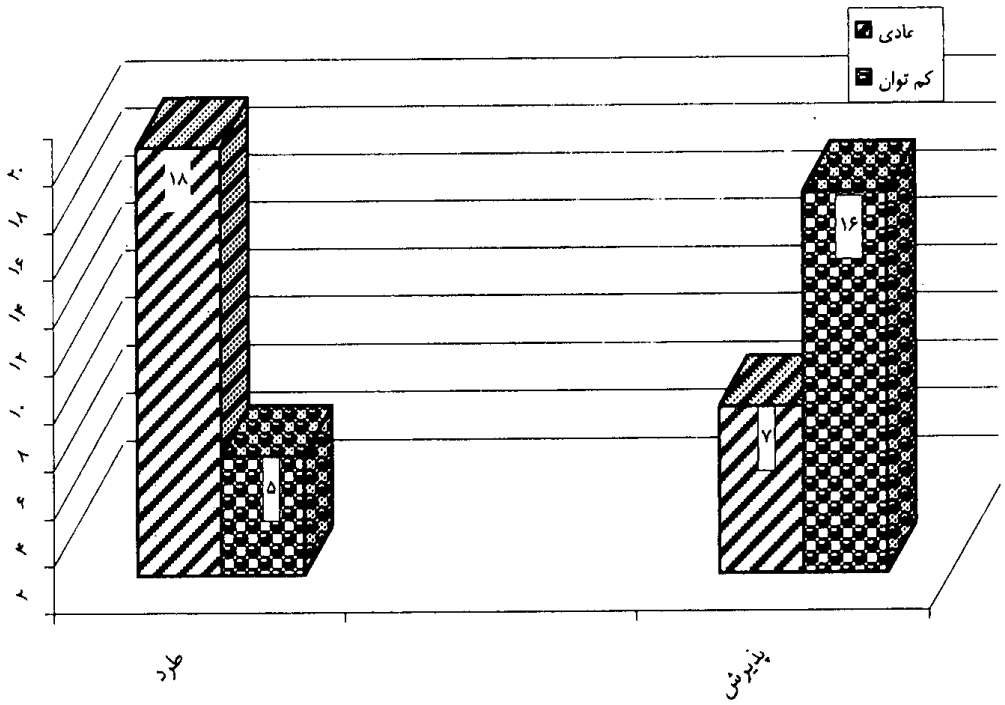

نمودار۱- مقایسهٔ فراوانی کودکان کم توان ذهنی و عادی که از طرف مادرانشان مورد طرد یا پذیرش قرار گرفته‌اند.

نـتایج مربوط به فراوانی و میانگین نمرات و شیوهٔ برخورد مادران کودکان کم‌توان ذهنی در جدول ۲ و نمودار ۲ آورده شده است.

جدول ۲- فراوانی و میانگین نمرات و شیوهٔ برخورد مادران کودکان کم‌توان ذهنی

	الگوی ارتباطی طرد	الگوی ارتباطی پذیرش
فراوانی کودکان کم‌توان ذهنی	۱۶	۷
میانگین نمرات سه ثلث امتحان	۱۳/۵	۱۷

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

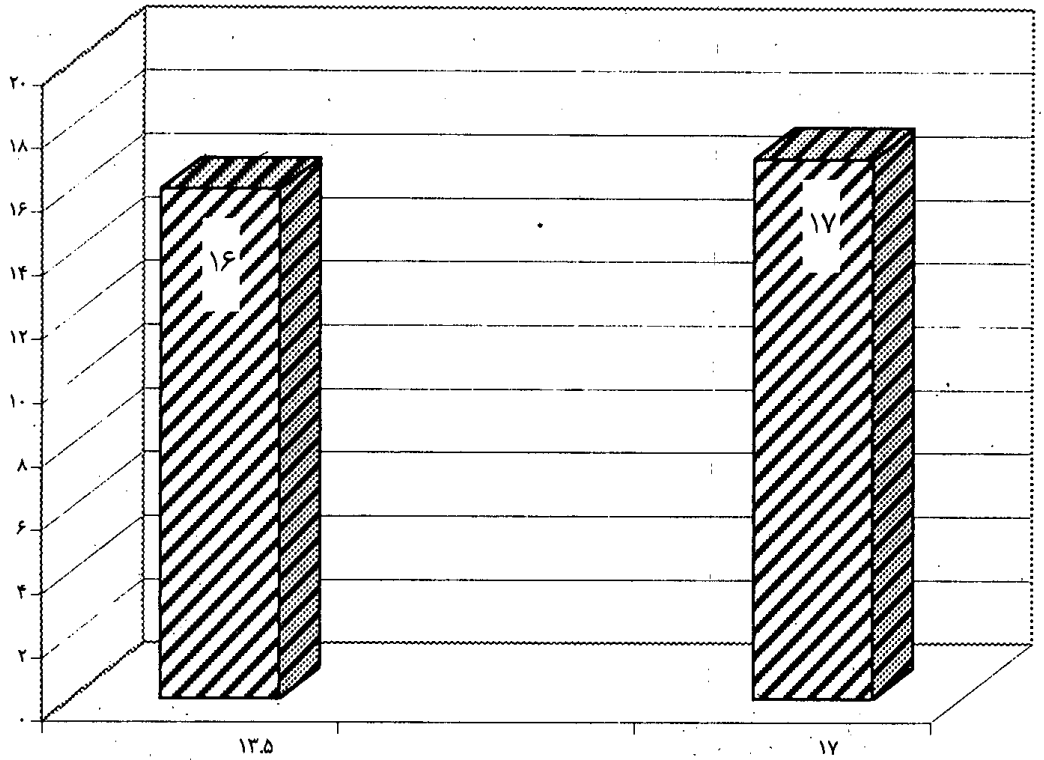

نمودار ۲- مقایسهٔ الگوی ارتباطی طرد کننده یا پذیرنده مادران کودکان کم‌توان ذهنی با فرزندان کم‌توانشان باتوجه به میزان پیشرفت تحصیلی

نتایج مربوط به رابطهٔ جنسیت کودک کم‌توان ذهنی با شیوهٔ برخورد مادرانشان در جدول ۳ و نمودار ۳ آورده شده است.

جدول ۳- رابطهٔ جنسیت کودک کم‌توان ذهنی با شیوهٔ برخورد مادرانشان

		الگوی ارتباطی	
		طرد	پذیرش
جنسیت کودک کم‌توان ذهنی	دختر	۷ (۸/۳۴)	۵ (۳/۶۲)*
	پسر	۹ (۷/۶۲)	۲ (۳/۳۴)

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

*فراوانی مورد انتظار. تصحیح یت در فرآیند تحلیل آماری توسط کامپیوتر محاسبه گردیده است.

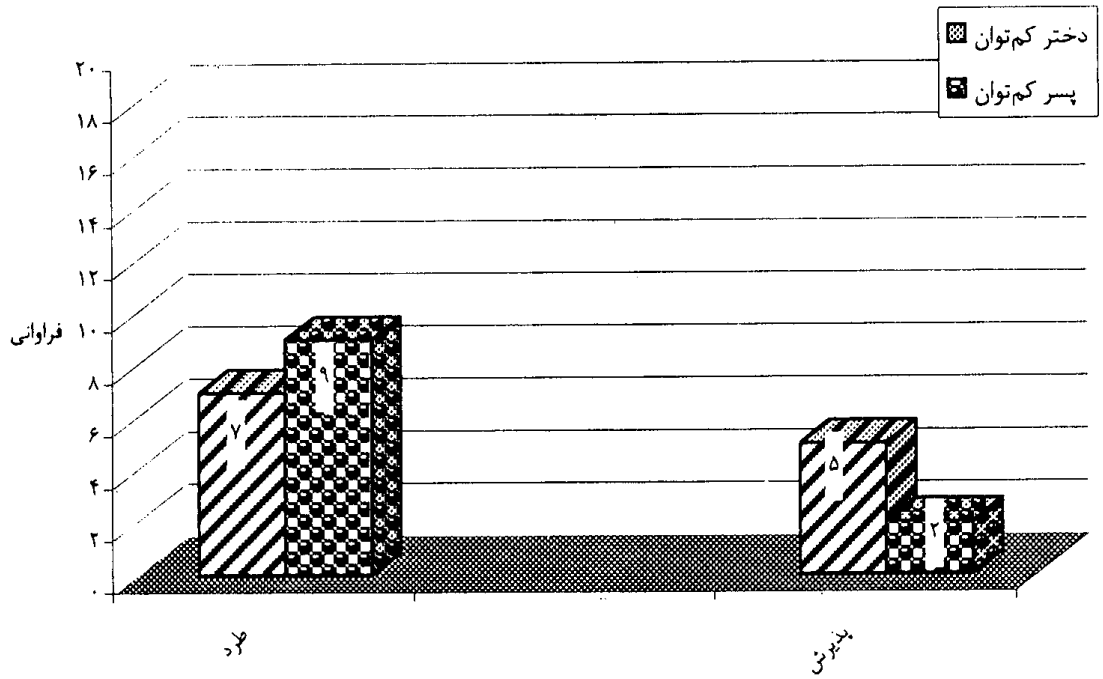

نمودار ۳- الگوی ارتباطی مادران با دختران و پسران کم‌توان ذهنی‌شان

نتایج

در رابطه با فرضیهٔ اول، داده‌ها با استفاده از روش آماری خی دو با df =۱ و P< ۰/۰۵ مورد آزمون قرار گرفت. با توجه به خی دو محاسبه شده (۱۰/۶۰۲)، تفاوت شیوهٔ برخورد مادران کودکان کم‌توان ذهنی خفیف و عادی نسبت به فرزندان معلول ذهنی و عادی‌شان مورد تأیید قرار گرفت.

داده‌های مربوط به فرضیهٔ دوم با استفاده از ضریب همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای rpb مورد تحلیل قرار گرفت و rpb به دست آمده (۰/۴۱)، وجود رابطه میان شیوه‌های برخورد و پیشرفت تحصیلی کودک کم‌توان ذهنی را تأیید کرد.

داده‌ها در رابطه با فرضیهٔ سوم، با استفاده از روش آماری خی دو با df =۱ و P< ۰/۰۵ مورد تحلیل قرار گرفت(خی دومحاسبه شده ۱/۴۹۵)و فرضیهٔسوم تأیید نشد.

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد که اغلب مادران کودکان کم‌توان ذهنی خفیف در مقایسه با مادران کودکان عادی، شیوهٔ برخورد طرد کننده‌ای نسبت به فرزندان کم‌توان ذهنی خود دارند. یافته‌های محققان دیگر (سینگر، ۱۹۵۷، فاربر، ۱۹۶۰، لوی، ۱۹۷۳، باروف و لوی، ۱۹۹۹) نیز نشان داده است که جریحه‌دار شدن ارزش فردی والدین، منجر به رفتارهای ناسازگارانه، انکار، طرد و حمایت بیش از حد از سوی والدین می‌گردد. همچنین به اعتقاد بالبی (۱۹۸۴)، کاربارینو (۱۹۸۴) و وایتینگ (۱۹۷۸)، والدین به سبب سوء رفتار هیجانی، برای کودکان معلول عشق دائمی و پذیرش را فراهم نمی‌آورند و در برقراری احساس امنیت در کودکان شکست می‌خورند و بخش اعظم روابط والد و کودک سرد و طرد آمیز است.

در مورد رابطهٔ شیوه‌های برخورد مادر با پیشرفت تحصیلی کودک کم‌توان ذهنی میزان همبستگی به دست آمده نشان دهندهٔ تأثیر شیوه‌های برخورد مادر بر وضعیت تحصیلی کودک کم‌توان ذهنی می‌باشد. زیگلر نیز در یافته‌های خود نشان داده است که تعداد زیادی از افراد معلول ذهنی به سبب تجربه‌های ناخوشایند محیط زندگی خود، میزان شکست‌هایشان به نحو چشمگیری افزایش می‌یابد و این امر روی مهارت‌های شناختی و یادگیری کودک تأثیر نامطلوبی می‌گذارد. همچنین مینک، نهیرا، مایرز (۱۹۸۰) و بلاچر (۱۹۸۳) و سلتزر و کراس (۱۹۸۶) ثابت کرده‌اند که رابطهٔ مستقیمی میان خصوصیات عاطفی محیط خانواده و عملکرد کودک در مدرسه وجود دارد. در رابطه با فرضیهٔ سوم هر چند به اعتقاد گالاگر جنسیت کودک معلول، موجب شیوهٔ برخورد طرد کننده مادر نسبت به کودک می‌گردد، اما در این مطالعه رابطهٔ میان شیوه‌های برخورد مادر با جنسیت کودک معلول ذهنی مورد تأیید قرار نگرفت. به عبارت دیگر، دختر یا پسر بودن فرزند معلول تأثیری در شیوهٔ برخورد طرد کننده یا پذیرنده مادر ندارد.

از آنجا که تفاوت الگوی ارتباطی بین مادران کودکان کم‌توان ذهنی خفیف و مادران کودکان عادی در مطالعات پیشین و مطالعهٔ فعلی مورد تأیید قرار گرفته است و مادران کودکان معلول ذهنی الگوی ارتباطی طرد کننده‌ای نسبت به فرزند معلولشان دارند، ضروری است که بهداشت روانی خانوادهٔ کودکان معلول ذهنی مورد توجه قرار

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

گیرد و در جهت ارتقای آن، خدمات حمایتی مشاوره و روان درمانی لازم برای والدین از جمله مادران کودکان کم‌توان ذهنی فراهم شود تا آنان بتوانند با استرس‌های مختلف مربوط به مراحل رشدی، مسائل رفتاری و آموزشی ویژهٔ کودکان معلول ذهنی‌خود مقابله کنند. در مورد فرضیهٔ سوم، یعنی جنسیت کودکان معلول ذهنی، به سبب محدود بودن تعداد افراد گروه نمونه، پیشنهاد می‌شود که این موضوع به صورتی گسترده‌تر توسط محققان دیگر مورد بررسی قرارگیرد.

همچنین با توجه به اینکه در یافته‌های اشپیتز[۳۸]، بالبی، تسینی، زورل، گوتلیپ، بادف، سلمی و ولدمن نشان داده شده است که شرایط نامطلوب عاطفی و هیجانی محیط زندگی کودک از جمله طردها، کمبودهای عاطفی، به خصوص از سوی مادر، تأثیرات نامطلوبی روی رشد و تحول جسمی و روانی کودک دارد و این عوامل می‌تواند زمینه ساز بروز اختلالات رفتاری از قبیل: پرخاشگری، بی‌قراری، افسردگی، رفتارهای ضد اجتماعی در کودکان کم‌توان ذهنی گردد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود که رابطهٔ والدین کودکان کم‌توان ذهنی با فرزندان معلولشان و کاهش مشکلات رفتاری کودکان کم‌توان ذهنی مورد بررسی و در صورت لزوم مورد اصلاح قرار گیرد.

❋❋❋❋

یادداشت‌ها

1) Crnic
2) Friedrich
3) Greenberg
4) Bristol
5) Gallagher
6) Schopler
7) Cowen
8) Martin
9) Goldman
10) Bresla
11) Davis
12) Beckman
13) Blacher
14) Chesney
15) Stone
16) Bowlby
17) Carbarino
18) Whiting
19) Farber
20) Baroff
21) Olley
22) Mayers
23) Mink
24) Nihira
25) Blacheb
26) Seltzer
27) Krauss
28) Zigler
29) Hess
30) Shipman

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]

31) Garber
32) Brown
33) Emd
34) primary rejection
35) secondary rejection
36) Mintzer
37) Als
38) Tronick
39) Brazelton
40) Down's Syndrome
41) Kurtz
42) Wolfensberger
43) Wikler
44) Irvin & Singer
45) Grossman
46) acceptance
47) non- acceptance
48) reliability coefficient
49) Spitz

منابع

هالاهان ، دانیل و کافمن، جیمز (بی‌تا). کودکان استثنایی. (ترجمهٔ مجتبی جوادیان،۱۳۷۱). مشهد: انتشارات آستان قدس.

رابینسون، هالرت و رابینسون، نانسی (بی‌تا). کودک کم‌توان ذهنی. (ترجمهٔ فرهاد ماهر، ۱۳۶۶) مشهد: انتشارات آستان قدس.

Blacher, Ian (1984). Severely handicapped young children and their families. United States: Academic Press,(INC).

Baroff, Georges (1999). Mental retardation. USA: Brunner/ Mazel

Garber, Homward (1988). Preventing mental retardation in children. Americam Association Mental Retardation.

Jacobson, Iohn and Mulick james (1996). Diagnosis and professional practice in mental retardation. American psychological Association.

Patton, james, Payne, james and Smith Mary Beirne (1986). Mental retardation. Charles E. Merrill.

Haring Norris and Mc Cormick; linda (1986). Exceptional children and youth. Charles E. Merrill.

Morgan, Sharon R. (1987). Abuse and neglect of handicapped children by little. Brown and Company (INC). U. S. A.

[Downloaded from mail.joec.ir on 2026-10-22]

[DOR: 20.1001.1.16826612.1381.2.2.6.3]